

استخوان در گلوی نواصولگرایان

عباس عبدي

ماجرای ترور سلمان رشد و انتشار خبری مبنی بر برنامه‌ریزی برای ترور جان بولتون سیاستمدار مشهور ضد ایرانی و از نزدیکان به سازمان مجاهدین خلق، این ذهنیت را ایجاد کرد که گویی دست‌هایی در کار است که این دو واقعه را زمینه‌چینی برای مخالفت افکار عمومی امریکایی‌ها با توافق برجام قرار دهد. به ویژه آنکه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد، میزان موافقت با احیای برجام از سوی مردم امریکا بسیار بالا رفته است. در این میان اتفاق جالبی رخ داد. مشاور اصلی گروه مذاکره‌کننده جدید در برجام، در توییتی ضمن محکوم کردن سلمان رشدی، وقوع این دو رویداد را از حیث اثرگذاری منفی بر احیای برجام، عجیب دانسته است که در فضای عمومی، چنین ابهامی، به معنای توطئه‌آمیز دانستن این دو رویداد علیه احیای برجام تلقی می‌شود. بلافاصله پس از این توییت، نواصولگرایان تندرو حملات شدید و حتی بی‌ادبانه‌ای خود را روانه او کردند که وی در پاسخ این توضیحات را داد که قصدش توجه سوال علیه امریکا بوده است، در حالی که به نظر می‌رسد اصولاً متوجه منطق حمله‌کنندگان به خود نشده است. از نظر آنان، حکم یا فتوای مربوط به سلمان رشدی فارغ از مکان و زمان و این‌جور ملاحظات است. البته بخشی از آنان معتقد به این گزاره‌ها نیستند، ولی چون مخالف احیای برجام هستند، از هر اتفاقی که مانع از توافق شود استقبال می‌کنند، ولی برخی دیگر این فتوا را واجد ویژگی‌های سیاسی نمی‌بینند و به‌طور مطلق از رخداد آن دفاع می‌کنند. برایشان فرقی نمی‌کند که چه کسی یا گروهی یا کشوری و با چه انگیزه‌ای پشت ماجرا باشد.

حتی اگر فردا ثابت شود که این دو رویداد با هدف اثرگذاری منفی بر احیای برجام اجرا شده است باز هم بر استقبال این گروه از ماجرا تاثیری نمی‌گذارد. چرا این ادعا می‌شود؟ به این علت واضح که در گذشته و حتی اکنون مخالفت آنان با برجام همسو با مخالفت شدید اسراییل با برجام است و فقط نمی‌دانیم که مخالفت و دشمنی کدام یک شدیدتر است. آن آقای مشاور اگر دنبال چنین هماهنگی‌هایی می‌گردد، یا دنبال پیدا کردن دست‌های پشت توطئه است، نیازی نیست که به مساله ترور سلمان رشدی و بولتون ارجاع دهد، کافی است به همسویی

کامل اسراییل و این گروه در ضدیت با برجام و خیلی دیگر از مواضع آنان مراجعه کند.

فرض کنیم که با اسناد روشن و غیر قابل انکار بتوان ثابت کرد که دست اسراییل پشت چنین اقداماتی یا موارد مشابهی است که این گروه از آن حمایت می‌کنند، می‌دانید چه پاسخی خواهند داد؟ خواهند گفت که برخی از امور به دست دشمنان پیش خواهد رفت و این از حمایت‌های ویژه‌ای است که از سوی خداوند شامل حال ما می‌شود!! و اگر دشمنان هم این کار را کرده باشند اتفاقاً با یک تیر به دو نشان زده شده است. هم سلمان رشدی را کشته‌اند و هم علیه برجام عمل کرده‌اند و این را نشانه توجه ویژه باریتعالی به خودشان می‌دانند.

آقای مشاور که از منتقدان احتمالی برجام بوده، شاید از منظر فنی مخالف بوده و نه از منظر بنیادی؛ ولی این گروه، مخالف بنیادین آن هستند و امروز که کار به توافق رسیده، راه این دو گروه از یکدیگر جدا شده و این مهم‌ترین بحرانی است که نواصولگرایان حاکم با آن مواجه هستند و به همین دلیل تاکنون قادر به تصمیم‌گیری قاطع و به موقع نبوده‌اند. از یک سو می‌خواهند با نفی برجام وحدت صوری و ظاهری خود را حفظ کنند، ولی باید هزینه بسیار سنگین فقدان برجام را بدهند که در این صورت تندرورها خود را کنار می‌کشند و هزینه را بر دوش حکومتی‌ها می‌اندازند تا بعداً خودشان روی کار بیایند. از سوی دیگر به دنبال این هستند که برجام را زنده و دولت و اقتصاد کشور را از وضعیت فعلی خارج و رضایت مردم را کسب کنند، در این صورت باید توهین‌های تندرورها را به جان بپذیرند ولی اطمینان داشته باشند که آنان حذف خواهند شد. این وضعیت استخوان در گلویی است که نه می‌توانند آن را فرو دهند و نه می‌توانند آن را بالا بیاورند. گزارش‌های مثبت و اغراق‌آمیز رسانه‌ای تندرورها در روزهای اخیر در حمایت از عملکرد یک‌ساله دولت برای این است که به دولت بگویند شما بدون برجام شکست نخورده‌اید و موفق هستید و باید این راه را ادامه دهید، این فریبکاری بزرگی است.